مشخصات زیست شناسی (۱) کالبد انسانی

تغییر
آقای دکتر نعمت الله کریمی
دانشیار کرس کالبد شناسی دانشگاه پزشکی

ماهیت انسان امروزان بعنوان انتخاب تخصصی مورد اعتماد کالبدشناسی و فیزیولوژی قسمتهای از ماهمیت انسانی را راه‌بردی می‌آورد. روان‌شناسی اغلب به فیزیولوژی بدن توجه نمی‌کند. تعداد شناخت و زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی (۲) هر بحث پژوهشی به خصوص برون‌البنان را می‌یابد. این امکان یافتن بدهد می‌گذارد اما با یکدیگر کمک گرفته از ابزار ندارد. صورت‌کردن آن‌ها باید دانش‌ها را مبنا می‌باشد. این چنین نکته ایستاده‌های روش‌های است یکی از مهم‌ترین کمیت‌های جسمانی است. کیفیت و روحی و سیاسی به‌خصوص کهاینده انسان احساسات حیاتی به دلیل میکنند کارهای روحی و زبان، واکنش‌های ویران حیاتی منتشر کار، انتخاب مبادا خاصی قابل مشاهده و اگر انسان امتیاز داشته لمح جانور شناسی شناس کنید اختلافات بین‌جنسی اولیه و جهت‌های از زیستی است.
مشخصات زیست‌شناسی كالبد انسانی

ساختان و شکل خارجی بدن انسان مشخصاتی دارد برای ذکر: 

شکل ۲: کاسه سر انسان کوچک و انسان نعل و گری

وجود دیستان در سیم و شکل و تریب مختصات دندانها و چکل بر هم و ماهی دنبالی (۱)

که شماره آن کم و دام خارج نامزد است و عضای قدامی که برای گرفتن اشیاء و اعضا خلفی که برای راه رفتن بکار می‌رود گردش استخوان زندانی بر استخوان زندانی و

ناتوان مسئولی کوم کروی سرو سرواخ استخوان پس (۲) نزدیک با استخوان پای چهار

کاسه چشمه بطور کامل و دیدگوهی چشمه و البته وضعیت مخصوص چشمه و شکل‌های

مغز و غیره همه این مشخصات انسانا بدلیه جهان‌ها و انسان‌های گونه شکل (۱) مانند

گری (۳) و اراک (۴) و شکل‌های (۵) نزدیک مبکند.

یکش در ساختن تشخیصی و عمل فیزيولوژیکی استعاضات انسان و حیوانات مختلفی

وجود دست و لی از گزین مشخصات انسان همان‌اکنون شنگ گفن و فنکر کردن است.

استخوان این بندی

۱- قسمت شهره و سنتیمترهای مکرو نسبت به شیوه اندازی بشری داده

쳐های قدامی خلفی و عرضش زیادتر است ولی دندان‌های مشاهد خلاصی کاملاً

شیوه است و علاوه تعداد دندان‌های ارائه اندازه‌ها دارد مشابه در صورتیکه

شمانده و گری سیزده جفت دندان دارد.

۲- کاسه سر و جهوره مقایسه کاسه سر بچه‌ها بشریار زدیک کر ایل زوجه است

نسبت شکل و حجم کاسه سر بچه‌های جهوره انسان و حیوان بر عهک پک‌گیر است. صورت

- vertèbres coccygiennes - trou occipital - les circonvolutions - anthropomorphe - Gorille - Orang - Chimpanzé
نامه دانشکده پزشکی

میمون زیاد نمودن کرد به طرف چُرُدِرِاد و کشیده است. فوسه‌های دندانی (1) بسیار برجسته
و اغلب حجم چهره از کاسه سر بیش است.
بر خلاف چهره انسان نسبتاً کورچک و معمولاً کمی طرف چیز رفت است.
نسبت کاسه سر با چهره بوسیله زاویهای 90° میانگین باشد که (2) انداده گرفته می‌شود.
زاویه چهره‌ای که کلوک (3) یک گردیده بر کنار دندانی نکته زیر است. اضافه آن
یکی بنام خططی چهره است که بر جرجه‌ترین نقطه چهره یعنی نقطه فوق کاسه چشمی
عبر میکید و درکردن خططی یافته اقلیت که از سر نارنج گوش خارجی می‌گذارد.
این گوش به طور متوسط در انسان سیفید پوست و دراپ بزرگ‌تر 82 و در
گری 82 و در ارائه در حدود 58 درجه است. با اینکه ژاویه‌ی چهره در سه‌سال
افریقایی 71 و در انسان نسیم (5) درجه است. اما اختلاف درجه انسان و حیوان
فوق العاده می‌باشد.

اختلاف قابل اهمیت برجستگی جالب توجه پشتیانی انسان است در پاره‌کرده
پشتیانی میمون مسطح و فاصله از بادوام و کم اب و چهره مانند بطرف چهره برجسته است.
با ایجاد انسان نسیم و درم فعال استراواداری پشتیانی عمیق رفت و کم اب و نسبتاً
بر جرجه می‌باشد.

در حقیقت سری‌سازی میمون از بکه‌های استخوان‌های شیبی به مکعب بوده و مجاورت
عمومی آنها مشابه است و لی می‌توان به انداده نمایان که این انسان در صورتی به
نژاتی کار دارد در صورتی که پشتیانی فاقد جا‌ندازه می‌باشد و در حیوانات انسانی شکل مخلوق
اثری از آن جاهز هم پیشی کرده است.

بطری کلی کاسه سر و چهره دارای صفایی است که کالبد انسانی را مشخص

می‌نماید.

1- دست و یا دسته‌ای انسان و میمون ازبین است. اختیام کالبدشناسی تقریباً نزدیک

3- دست میمون مانند دست بسیاری از حیوانات نه برای گرفتن بکار نمی‌رود

2- سوزی-وریازینه

5- یونکت استار

بلهکه مثل دسته‌ای انسان متحرکی دارد. با این حال این نظریه‌ای که از ارثلگ

4- Cloquet

— arcades dentaires — angle facial — sus-orbitaire

6- l’homme fossile
مشخصات زیست شناسی کالبد انسانی

این اختلاف که است که انسان کارهای بیشتر انجام می‌دهد. بنابراین عمل دستها با استثناء تشريحي مشابه و فرق می‌دهند و این اختلاف به هیچوجه بجزیات ساختان تشريحي مربوط نیست. بلکه این احکامات(1) مختلف و بعضی از اشکال‌ها که هیچ رابطه‌ای با وضع تشريحي ندارد سبب اینگونه اختلاف می‌گردد.

پای میمون برخلاف یک انسان دارای قوه گرفتن میانش با اینکه شبست پا‌پشتیست.

نسبت به اینگونه برای شبست زندگی ندارد. در سایر انسان‌ها بعضاً چکار گران عرب بواسطه عادت و مهارت است و یا را برای گرداند لبه بی‌پنجره می‌برند. به حال قوه گرفتن در پای انسان فوق العاده کم و حجود میانش.

استخوان‌های کف(1) و جلف پای(2) میمون مانند دسته‌بلند و مستقیم این طریق را به دست آورده است. استخوان‌های کف(1) و کف پای انسان به‌صورت باعکس با سطح زیرین نسبت به هم متفاوتند و گرفتن در پای انسان ازخوان نشسته(1) استخوان‌های کف(1) و میمون(2) در حدی متفاوتند. استخوان‌های کف(1) و جلف پای انسان به‌صورت باعکس با سطح زیرین نسبت به هم متفاوتند و گرفتن در پای انسان ازخوان نشسته(1) استخوان‌های کف(1) و میمون(2) در حدی متفاوتند.

شکل 2: سقف کف پای یکنفر سیلانی و یکنفر سلینی بود

بعقیده بعضی از کالبدشناسان سقف با کف پای ام‌بی‌وی بوتو وضع قانونی است که انسان برای خروج می‌گیرد و پس از شاریکه دانه‌ای یا کف پای ام‌بی‌وی سقف تامیده‌ای است. به‌سوی راه گرفتن می‌گیرد که علاوه بر این یک راه ریختن بدن‌ها به صورت سه‌بند را تحمیل می‌کند و دارای کف پای مسطح(1) میباشد با کمال سرعت و آسانی حرکت می‌کنند.

1-reflèxes 2-métatarses 3-tarse 4-ligaments articulaires 5-voûte plantaire 6-calcanéum 7-cuboïde 8-les cuneiformes 9-pied plat
ایستادن و بردو پاراه قرنی

حیوانات انسانی شکل گاه بردو پاراه میگیرند و معمولا بر چهار پاراه می‌روند.
ارک و گری بندتر میاند تا صورتکه شماشیزه در موضعکته چون در دست دارد یا تحریک شود تا زمین مرطوب و سرد باشد بردو پاراه که میکنند نهایت ان است که همیشه بردو پاراه می‌روند ولی استهاش به یاد بلند است که حتی در حال استاده به سطح زمین می‌رسد.

اختوانان (۲) و استخوانان درشت نی (۳) انسان در حال استاده و راه رقنه
بخت مستقیم قرار می‌گیرد در صورتیکه در میون ماندن تمام جان مانند پایان و پریانکان با هم تشکیل زاویه می‌سازند. به علاوه کف‌های انسان مستقیما بر زمین گذارده میشود در صورتیکه میمون بر کنار خارجی پاراه می‌روید. بنابراین چنین تیزه گرفته میشود که استاده و بردویا رقنه از صفات مشخصه انسان می‌باشد.

استاده و راه رقنه مستلزم دو عمل است یکی رست کردن (۴) بدون دیگری.

حفظ تعادل (۵)
الف - رست کردن بدون - بعضی از حیوانات مثل سنجاب راست و بلند می‌شود

یعنی لگن بر سر استخوان ران بطرف عقرب حرکت نوسانی (۶) میکند و استخوان

اگر به استخوان درشت نی و درشت نی نیز برمی‌خیز میگردد. بدرخی

دریای از حیوانات مثل اسب بریاها بلند می‌شود ولی تعادل را از دست می‌دهد. خرس.

بعضی از میمونها بعكس بنگاهداری تعادل قادر می‌باشند.

راست کردن بدون از لحاظ کالبدشناسی بسیاری از پستانداران امکان پزیراست

زیرا تا یک چیز لازم است و آن استحکام قسمه سینه میانش که باشته عضله و

رباط هایی که آنها را بهره هارپاتخ می‌دهد تأمین می‌گردد.

عمل نیز بول و رویکین راست شدن بدون منوط با انتخاب دستگاه بی‌ها و طرز

۱- Gibbon ۲- fømur ۳- tibia ۴- le redressement ۵- l’équilibre
۶- mouvement basculaire
عمل آن میبایست مثل در بعضی حیوانات تحریک پوست با باعث حرکت دادن پای طرف دیگر گردد و در برخی همان پای تحریک شده حرکت میکند. بدهین تریب برحسوا و اکتشافات پی وقایع و روش هر حیوان تغییر میکند و بهیچوجه با ایجاد تربیت
تشریحی مخصوص استخوانها و عضلهها و اندرنونه رابطه ای ندارد.
وظیفه اصلی دستگاه پی و ها به خصوص در مسی نمو کردن می‌باشد در آغاز تولی بالینکه عضلهها نمو کرده و توقف اعضا خود را می توانند دهد.
و همچنین قفسه سینه را بعضی اوقات منقبض و مسکن میکند با ایجاد حتی به شدت که قدرت نسبی و سردریج خود را جمع نموده ابتدا مانند چارپایان بکمک دستهای حرکت میکند و بعد از انجام استخوان آوردی بدن را راست می‌نیامد و آزادانه بالامینان روز افزون برا می‌آید.
این سیر تکامل مربوط به تربیتی استخوانی یا راه های انتقال و رقیق می‌باشد.
در وضع استیاد رفقه‌ها چنین دخالت دارد: اولین رفقه‌ی بدن برای Geo 
شنیدن امیداد و تهیه محوریکه از سر استخوان را می‌گذرد حرف نوازی انجام می‌دهد. دومین رفقه سر استخوان را نسبت استخوان درشتی نی به نموده در خطر مستقیم قرار می‌دهد سپس یک‌پایه رفقه‌ی دیگر تعادله مناسب حفظ می‌کند.
اولین رفقه‌ی که راست شدن بدن را ایجاد می‌گردد بطور موقت حاصل مشود و لیکن رفقه دوم حتی در حال بلند شدن وجود ندارد زیرا راست استخوان را می‌شود روزی استخوان درشتی نمی‌گردد و تکیه‌ی زاویه می‌دهد این رفاقه‌ی در بعضی حالات مثل پیاماری پارکینسون (2) در ابزار از بین می‌رود.

ب- تغییر در استیادن و راه آمده- لازم به تغییر در استیادن طول و عرض

مناسب بدن است که کثرت الاجه (3) بطور یک‌پایه تکیه کند و باعث مشاهده آن شده می‌شود به فاصله آن‌ها چنین ارتباطی تعداد زیادی با داشته باهای کوچک و نزدیک بههم حتی دردی چوبی‌های نوک تیز می‌کنند استیاده و تغییر را نگاه‌داشت می‌کنند. این دو می‌باشد که خود حرکت نمود بهینه‌گی که در هر حوزه استخوان به وظیفه عدالت ای اکه عبارت 
از تنظیم انقباض عضله‌ها باشد انتقال می‌دهد.

1. Parkinson 2- polygone de sustentation 3- grand fessier
اختلاف حجم مغز انسان فعلي با مغز میمونهای برک فوق العاده زیاد است. در حیوانات انسانی شکل حداکثر ظرفیت کاسپرس بی سانتیمتر مکعب می‌رسد در صورتی که در انسان فعلي از ۱۵ تا ۲۰ سانتیمتر مکعب میباشد و در انسان فسیل از ۹.۰۰ سانتیمتر مکعب دیده شده است.

اختلاف مغز انسان با حیوانات پستاندار از این لحاظ است که مغز انسان جمع‌بایی بسیار زیادشده مخچه‌ها که در عقب آنست کاملاً می‌توانند چیزی شبیه مغز انسان و هم‌سازی آنها از محیط قابل تطبیق میباشد و از جمله در زیر ارائه می‌ماتشبال باعث انقباض عضله های متشابه می‌گردد. لیکن محیط شبکه‌های مغز میمون صاف و ساده‌تر از شبکه‌های مغز انسان است در صورته دیگر می‌توانهد. هیچ‌یک از این حالات در افشاگری مختلف شدت و ضعف داشته و با اختلاف‌های داخل مغز و عمل آنها رابطه مستقیم دارد.

![شکل ۳: منقرض گری بالگ - سطح فوقانی منقرض گری بالگ (قسمت فوقانی نیمکره راست برداشته شده)](image)

بطور کلی ایاف داخل مغز دو دسته است یکی ایاف هادی (۱) جریان عصبی و دیگری ایاف ارتباطی (۲) که قسمت‌های مختلفی را به هم نزدیک و مربوط می‌کند. تعداد این ایاف بر حسب اشخاص مختلف بوده و سبب اختلاف نسبی وزن مغز می‌گردد. هرچه تعداد ایاف و شبکه‌های عصبی زیادتر باشد تحرکات خارجی بیشتر می‌شود.

1. encéphale 2. fibres de projection 3. fibres d'association.
انتشار وارتباط نزدیک بایکدیکر را دارد و بیشتر سبب است که تحريك‌های خارجی متشابه برحسب اشخاص متفاوت یا میشانگین ایجاد می‌کند.

شکل ۸: مغز کودک در ساله‌های اول ارتباطی در انسان بسیار خود می‌رسد و مخصوصاً در قطعه پیشانی.

مغز فراوان است و یافته‌های امتحانات مستقیم و جدیده‌های قطعه‌ای مختلفها می‌تواند آشکار می‌کند. هر چگونه نسبت مصرف قطعه بتنام مغز را در اندازه‌گیری‌های خواهد دید که برای قطعه پیشانی در خون‌های انگشتان شکل بند متوسط ۳۲ و در انسان اصلی ۴۶ و می‌باشد و در میان ۱۳۲ می‌باشد. مثلاً قطعه پس در انسان ۴۰ و در میان ۱۴۰ می‌باشد.

از آن‌رو گذشت چنین نتایجی که می‌تواند قطعه پیشانی مغز انسان به‌واسطه زیاد شدن الاف ارتباطی نمو کرده توده مغز زاویه از جلو بعید میراند و مخاطی را نمی‌شاند.

سخن گفتی (۵)

یکی از نتایج عمده نمو فوق العاده دستگاه یک هدای دماغ انسان پیش‌بینی می‌شود. گفتی است که از صفات میزبان و حقیقی انسان بیشتر از می‌بود. حنجره اغلب پستانداران شبیه به هم است و ساختارهای بدنی و زبان و چانه‌های انسان از لحاظ کلی با بی‌روفیما مرتب تاریکی نیست که رابطه مخصوصی با سخن گفتی داشته باشد. در این قرآن معروف سخن گفتی رابطه ساختی با سخن گفتی ارتباط مزمن است که یک سلسله علامت‌های آمیخته با حركات عضلانی مخصوص و رابطه‌ریزی را به سه درجات جریان امور و

۱ - Gausse ۲ - lobe frontal ۳ - temporal ۴ - parietal ۵ - le langage articulé
مشخصات زیست شناسی کالبد انسانی
شماره ۱۰

اشیاع راروشن می‌توانید و یا مشخص را با یکدیگر مربوط می‌سازید و با دویویلیه اجتماعات
شد یک درک می‌گیرد.
میمون‌ها و حیوانات مهره‌دار و بی‌مهره‌دار واقع شده که چنین دستگاهی می‌باشد و صدا های
آنها به دلیل که باشد تنش باعث ارتباط بین آنها نیست و زبان مخصوص ایجاد نمی‌کند.
پای سومین شکمی پیشانی چپ (1) مغز و قسمتی از شکمی پیشانی بالا (2) که مجاور
آنت در انسان و میمون هر دو وجود دارد و مربوط به عضله های زبان و لب و قسمت
های مجاور آنها می‌باشد و لی مغز انسان علاوه بر قسمت‌های نامبرده شامل شبکه عصبی
مخصوصی است پر از الیاف ارتباطی که مراکز و قسمت‌های مختلفه را با یکدیگر
رابطه می‌یابد.

گویا هشیاری و روشن نکرد و فاس نوع دوستی که از صفات مختصه انسان
است و این با سخن گفت و راداشته است و این احساسات تا حدی که ساختمان دستگاه
پای هایش اجازه می‌دهد اعضاء صوتی را برکت درآورده و بصورت تکلم در می‌آورند.